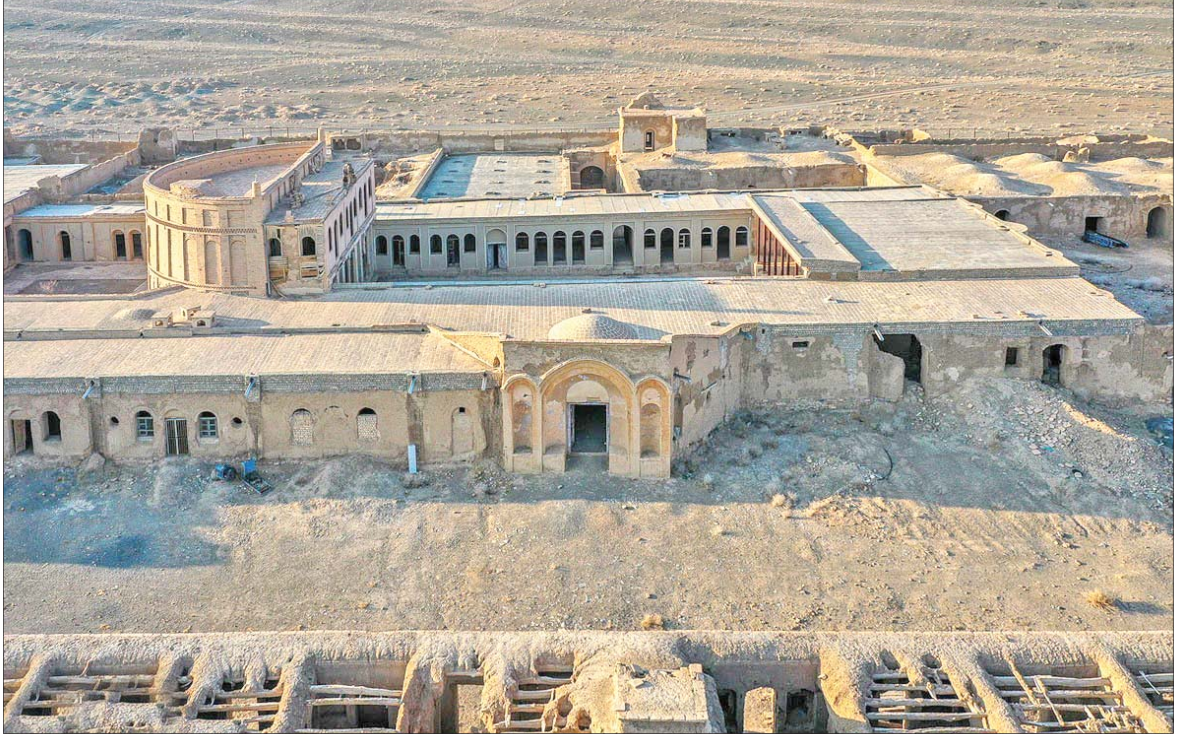


# شتر

قلعه تاریخی قمیشلو واقع در نجف‌آباد استان اسفهان، در سایه بی‌توجهی مسئولان رو به ویرانی است. عکس: علی آذر، باشگاه خبرنگاران جوان



### تلنگر

## حفاظت از یوز با دستان خالی

## بی‌مایه فطیر است


 ▶ **احمد دباغیان** کارشناس محیط زیست

خبر کوتاه بود و قابل تامل؛ باقی مانده ثبت‌شده یوزهای ایرانی ۱۲ فرد است که سه ماده بالغ در بین آنها شناسایی شده است. سرزمین چهارفصل ایران، تا چند دهه پیش به وجود بزرگ‌ترین گربه‌سانان، یعنی شیر و ببر نیز زینت یافته بود. اما امروز که نسل شیر ایرانی و ببر مازندران از بین رفته، دو گربه بزرگ دیگر در رأس هرم گوشت‌خواران حیات وحش ایران ایستاده‌اند؛ پلنگ ایرانی و یوز آسیایی. یوز آسیایی که روزگاری از شمال آفریقا و شبه‌جزیره عربستان تا هندوستان و ترکمنستان، حضورش احساس می‌شد، بر اثر بی‌رحمی و حق‌ناشناسی انسان‌ها، کارش به جایی رسید که امروز همه حیات طبیعی‌اش در این دنیا در وجود تعداد اندک انگشت‌شمار در گوشت‌خواران حیات وحش ایران مانده است. در ایران نیز با آنکه دهه‌ها پیش یوزها در مناطق مختلفی حضور داشتند، درحال‌حاضر زیستگاهشان محدود شده است. هیچ‌کس در ایران و جهان نیست که ادعا کند همه‌چیز را دربراه یوزها می‌داند. حقایق پنهانی درباره این گونه زینا هست که

هنوز هم نمی‌دانیم. این گربه‌سان باشکوه و خجالتی مدت‌های مدیدی است که سرازیری انقراض را بدون ترمز و با سرعتی بی‌سابقه طی می‌کند. سرعتی که در چند سال گذشته با تخریب اکوسیستم‌های محل زیست این گونه از جاده‌سازی و توسعه بی‌ضابطه شهرنشینی تا دامداری سنتی و برداشت‌های معدنی شتابش بیشتر شده است. منکر آن نیستم که نباید توسعه بیابیم کشوری در حال توسعه هستیم و به گسترش صنایع و استفاده از مواد معدنی بیش از پیش نیازمندیم، اما همان‌طور که پیشرفت کشور را در حوزه صنعتی می‌خواهیم، قطعا باید هزینه جبران آسیب به طبیعت را بپردازیم. اعتقاد دارم که بالاترین مرجع حفاظت و حمایت از حیات وحش این مرز و بوم سازمان حفاظت محیط زیست است، اما باید قبول کنیم که یک دست صدا ندارد. بودجه اندک و قطره‌چکانی سازمانی که ۱۲ درصد از مناطق این کشور را تحت مدیریت دارد، تعداد نیروی محیط‌بانی که اندکی بیشتر از سه هزار نفر است و هزاران هزار مشکل دیگر برای سازمانی به نام محیط زیست.

باز هم توجه به این نکته ضروری است که «تامین اعتبار لازم برای حفاظت بهتر و مؤثرتر از زیستگاه‌های حیات وحش» برای حفاظت از گونه‌های جانوری کشور به‌خصوص گونه‌های پرچم‌مانند یوز، لازم، ضروری

### رویداد

## نامزدهای پنجمین دوره جایزه «ابوالحسن نجفی» معرفی شدند



شوپن، ترجمه فرانزه دوستی، نشر بیدگل / ۴. «قرن دیوانه من»، ایوان کلیما، ترجمه فروغ بوزیاوری، نشر ثالث / ۵. «خشم در هارلم»، چستر هایمز، ترجمه مردک نجفی متعاقبا اعلام می‌شود.

و از نان شب هم برای سازمان حفاظت محیط زیست واجب‌تر است. اینکه سازمانی با این همه وظایف حاکمیتی – نظارتی این چنین با کمبود بودجه برای حفاظت از اکوسیستم و گونه‌هایش دست‌به‌گریبان است، عجیب به نظر می‌رسد؛ زیرا محیط زیست به لطف شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی دیگر یک مسئله لوکس نیست و شاهد این کلام، صحبت‌های رهبر معظم انقلاب در اسفند سال ۹۳ در جمع فعالان محیط زیست است که فرمودند «مسئله محیط زیست، مسئله این دولت و آن دولت نیست؛ مسئله طولانی‌مدت است؛ مسئله زید و عمرو نیست؛ مسئله این جریان و آن جریان نیست؛ مسئله همه کشور است؛ همه باید دست‌به‌دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند». یوز یک گونه است و اگر حمایت دیگر دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی همچون سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت صنعت، وزارت جهاد کشاورزی، مجلس شورای اسلامی ...و. را سازمان حفاظت محیط زیست نداشته باشد، صدها گونه دیگر در کنار یوز به گرداب انقراض نزدیک می‌شوند. این واقعیت را باید قبول داشت؛ دست‌های سازمان محیط زیست خالی است و با دست خالی نمی‌توانیم انتظار مدیریت چالش‌ها را داشته باشیم؛ به مصداق این مثال قدیمی که «بی‌مایه فطیر است».

## یادآوری رنج زنان نان‌آور



### سیمین کافمی

زنان در صورت بروز علائم از کار اخراج می‌شوند و حتی قادر به پرداخت هزینه تست کووید نیستند، چه برسد به پرداخت هزینه‌های درمانی.

تردیدی نیست که وضعیت زنان سرپرست خانوار به‌طور خاص نیازمند توجه و مداخله است. ارائه راهکار برای حل مسئله زنان سرپرست خانوار لازم است مبتنی بر واقعیات جامعه و به دور از ساده‌اندیشی، تعصب و نمایش تبلیغاتی باشد؛ مثلا اینکه نمی‌توان راه‌حل تأمین معاش زنان سرپرست خانوار را به ازدواج موکول کرد؛ چون بیش از ۶۰ درصد زنان سرپرست خانوار بالای ۵۰ سال هستند و برای بخش بزرگی از آنها ازدواج غیرممکن است. و نیز اینکه مداخلات مقطعی و رویکرد خیریه‌ای هم کمکی به حل مشکل زنان سرپرست خانوار نمی‌کند. سال‌هاست از زبان مسئولان مختلف اظهارنظرها و قول و قرارهایی برای رسیدگی به مشکلات زنان خانوار می‌شود که عمدتا بی‌نتیجه یا محدود بوده‌اند.

سیاست اصلی برای رفع مشکل زنان سرپرست خانوار، تحت عنوان موجه «توانمندسازی»، بر مشاغل و کسب‌وکارهای خانگی که هم سرمایه اندکی می‌خواهند و هم با اصل خاننشینی زنان ناسازگاری ندارد، متمرکز بوده است. پس از گذشت سال‌ها از دنبال‌کردن چنین سیاستی نه نشانی از توانمندشدن زنان به چشم می‌خورد و نه تغییر معناداری در فقرزدایی از خانواده‌های زن‌سرپرست ایجاد شده است. به‌طور کلی رویکرد فعلی در مورد مسئله زنان سرپرست خانوار این است که مشکلات و نیازهای آنها ناچیز و دست‌کم گرفته می‌شود که گویا با وام‌های ناچیز حل‌شدنی است. ثاتیا جای این بخش از نیروی کار، عمدا و عمدتا در بازار کار غیررسمی (که قسمتی از آن همان کسب‌وکارهای خانگی است) تعیین می‌شود و نامش را هم توانمندسازی می‌گذارند؛ چنان‌که گویا زنان نمی‌توانند حقی و جایگاهی در بازار کار رسمی داشته باشند. حتی وقتی قرار است زنان سرپرست خانوار به‌عنوان کارگر به کار گرفته شوند، آن کسی که مشمول عنایت و حمایت دولتی مانند وام کم‌بهره و حق بیمه قرار می‌گیرد، کارفرمایی است که از نیروی کار ارزان زنان فقیر بهره‌مند می‌شود. چنین رویکردی نهنتها به بهبود وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار کمکی نمی‌کند، بلکه موجب تخریب بیشتر موقعیت آنها در بازار کار و فراهم‌آوردن زمینه استثمار آنان می‌شود.

برای حل مشکلات زنان سرپرست خانوار لازم است هم برنامه‌ریزی طولانی و آینده‌نگر صورت گیرد و هم مداخله عاجل. در برنامه‌ریزی آینده‌محور لازم است اشتغال زنان به اندازه مردان جدی گرفته شود. زمینه‌های اشتغال زنان فراهم شود و برنامه‌هایی تدوین شود که از بی‌کاری زنان بکاهد. توجه به امر اشتغال زنان مهم است؛ چون وضعیت زنان سرپرست خانوار تابعی از وضعیت کلی زنان در حوزه اشتغال است. در واقع با محقق‌شدن برابری جنسیتی و حق اشتغال برابر برای زنان، کمتر احتمال دارد مشکلی به اسم زنان سرپرست خانوار بروز کند. علاوه بر این و با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی لازم است حمایتی عاجل و مداوم از خانوارهای فقیر زن‌سرپرست صورت گیرد. برای آنها یارانه‌های متناسب با نرخ تورم در نظر گرفته شود، بیمه‌های درمانی برای‌شان فراهم شود، برای یافتن شغل مناسب و با حقوق کافی و وضعیت پایدار از آنها حمایت شود، مشکل مسکن و درمانی غذایی و نیز آموزش فرزندان آنها مورد توجه قرار گیرد. با چنین حمایت‌هایی می‌توان امیدوار بود از مشکلات زنان سرپرست خانوار، یعنی فقیرترین قشری جامعه اندکی کاسته شود. بدیهی است که در صورت بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن آنها، آسیب‌های اجتماعی مختلف و متعددی دام‌گیر این قشر و خانواده‌های تحت سرپرستی‌شان خواهد شد.

### زیر آسمان جهان

وساکن مریلند است، به دقت در روزها و هفته‌های آینده تحت نظر خواهد بود تا مشخص شود آیا عضو پیوندی می‌تواند فوایدی برای نجات زندگی او داشته باشد یا خیر. او واجد شرایط دریافت عضو معمولی در مرکز پزشکی مریلند و سایر مراکزى که سابق پزشکی او را بررسی کردند، نبود. آقای بنت روز قبل از جراحی گفت: من می‌باید این پیوند را انجام دهم یا جان خود را از دست می‌دهم. من می‌خواهم زنده بمانم. اگرچه این تیری در تاریکی است؛ اما آخرین شانس من است. او که چندین ماه اخیر را بستری بوده است، گفت: من مشتاق خارج‌شدن از تخت و بهبود هستم.

### پیوند قلب خوک به انسان برای اولین بار!

در اولین جراحی در نوع خود، یک بیمار ۵۷ساله با بیماری لاعلاج قلبی، پیوند موفقیت‌آمیزی با قلب اصلاح ژنتیکی شده خوک دریافت کرد و پس از گذشت سه روز در شرایط خوبی قرار دارد. این قلب تنها گزینه موجود برای این بیمار بود. این جراحی تاریخ‌ساز در دانشکده پزشکی دانشگاه مریلند انجام گرفت. این پیوند عضو برای اولین بار نشان داد که یک قلب اصلاح‌شده حیوان می‌تواند مانند قلب انسان عمل کند و بدن آن را بلافاصله پس نمی‌زند. این بیمار که «دیوید بنت» (David Bennett) نام دارد

### واکنش

### بیانیه هیئت‌مدیره خانه‌سینما

### عذرخواهی لازم‌بود

### گیسو فقفوری

● پس از انتشار بیانیه‌ای که جامعه اصناف سینمایی (خانه سینما) درباره چگونگی مرگ بکتاش آبتین در زندان منتشر کرد، احساسات بسیاری از اعضای خانه سینما جریحه‌دار شد. آن را نفرت‌برانگیز دانستند و درخواست کردند اگر نمی‌تواند به‌موقع و به شکل نیکو در قبال اعضای خود واکنش داشته باشد و نقش حامیانه ایفا کند، می‌تواند سکوت در پیش گیرد. برخی از منتقدان هم درخواست استعفاى اعضای هیئت‌مدیره خانه سینما را داشتند. آنچه در این بیانیه واکنش‌برانگیز است، ترس مستتر در آن بود؛ ترسیمی که تمام روند شجاعت شاعری را که تصاویر پای‌بسته او قلب و روح بسیاری از ما را جریحه‌دار کرده بود، فراموش می‌کند و در نظر نمی‌گیرد. بیانیه‌ای که اهمال رفته به «بکتاش آبتین» در روند دادرسی و زندانی‌شدن او را نادیده می‌گیرد. تعدادی از سینماگران و اعضای خانه سینما خود را از این بیانیه میرا دانسته و عسکرپور مدیرعامل سابق خانه سینما آن را با بیانیه سازمان زندان‌ها مقایسه کرده بود. این بیانیه سبب شد تا بسیاری، خاطرات روزگارن سخت تعطیلی خانه سینما را یادآوری کنند. روزهایی که چقدر تلاش می‌شد تا این نهاد صنفی بسته نشود و برای انجام فعالیت‌ها و حمایت‌های خود پای‌برجا بماند. روزگاری که بسیاری از سینماگران برای حمایت از آن ساعت‌ها در خیابان مستقر بودند و جزء مطالبات از نامزدهای ریاست‌جمهوری بازگشایی خانه سینما قرار گرفته بود. این بیانیه و روندی که هیئت‌مدیره خانه سینما در سکوت چندساعته پس از آن در پیش گرفت، چند نکته دیگر را نیز عیان کرد که مانند زنگ خطری بزرگ محسوب می‌شود: جای خالی عذرخواهی بهنگام؛ هنگامی که رؤسای صنفی رفتاری انجام می‌دهند که با نظر اعضای خود مغایرت دارد، باید پاسخ‌گو باشند و اگر نادانسته دست به کاری زده‌اند، حداقل کاری که باید انجام شود، عذرخواهی است. روندی که طی ساعت‌های گذشته، از سوی هیئت‌مدیره درباره‌اش واکنشی انجام نشده است. هرچند می‌توان به روابط‌عمومی باسابقه آن امیدوار بود که بتواند هیئت‌مدیره و مدیرعامل خانه سینما را تاکنیز از این عذرخواهی کند.

این روند بی‌اعتنایی به واکنش‌های اعضا البته در چند صنف دیگر از جمله روزنامه‌نگاران نیز کاملا مشهود است و به نظر می‌رسد اکثر هیئت‌مدیره‌های صنف بر این اعتقادند که با گذر زمان همه چیز فراموش می‌شود یا قابل حل می‌شود و در ریز اینوه اخبار بد پنهان می‌شود. فراموش‌کردن وظیفه صنفی؛ یکی دیگر از مواردی که بیانیه خانه سینما توانست بسیاری از ما را آزرده کند و درعین‌حال مانند تلنگری باشد. نخوه انجام وظیفه صنفی است. این بیانیه تمام کم‌کاری‌ها و اهمال‌کاری‌های این مدت خانه سینما را به‌ویژه در چند ماه گذشته یادآوری کرد؛ ازجمله بیانیه‌ای که ۲۴ صنف خانه سینما در برابر وزیر ارشاد کنونی و سخنانی که پیش‌تر و در روزهای نامزدشدن برای این سمت بیان کرد و هیئت‌مدیره خانه سینما راضی نشد تا بیانیه دهد اما همه اصناف یکپارچه بیانیه‌ای در این زمینه صادر کرده‌اند. به نظر می‌رسد هیئت‌مدیره خانه سینما فراموش کرده اگر محرم اعضای صنف را در روزهای سخت و مقابلهت‌نش رو نداشته باشد، چقدر از میزان انگارگری خانه سینما و صندلی‌ای که بر آن تکیه کرده‌اند، کاسته می‌شود؛ به‌خصوص در این روزها که به نظر می‌رسد حجم سانسورها و اعمال نظریه مسئولان در حال افزایش است و هر چند وقت یک بار شاهد اعتراض اهالی سینما هستیم. برای این خانه سینما و بازگشایی و انجام فعالیت‌هایش، خون دل‌ها خورده شده است، انتظار این نیست که به این سادگی فراموش شود چه مسیری طی شده است و وظایفی که از این نهاد صنفی انتظار هست، به‌سادگی فراموش شود. به‌عنوان یک عضو و خبرنگاری که روزهای سخت تعطیلی خانه سینما را هنوز فراموش نکرده است، می‌دانم که به‌زودی مشخص می‌شود آیا هیئت‌مدیره خانه سینما می‌تواند خود را با خواسته‌های اعضایش هماهنگ کند یا بیشتر علاقه‌مند است تا رضایت مسئولان را جلب کند؟ هرچند در دقایق پایانی متن عذرخواهی‌ای ارسال شد که در آن آمده است: «به‌خاطر جریحه‌دارشدن احساسات اهالی سینما نسبت به پیام تسلیتی که از طرف هیئت‌مدیره خانه سینما منتشر شده‌مسئولانه‌از شما عذرخواهی می‌کنیم. می‌دانیم تقصیر چیست و با شرم آتشاییم.»



**یورنئوز:** نخست‌وزیر سوئد پس از بازداشت یک پناه‌جوی غیرقانونی در خانه‌اش مورد انتقاد شدید مخالفان و رسانه‌ها قرار گرفته است. در هفته گذشته پلیس به‌صورت اتفاقی به خانه ماداگلا اندرسون، نخست‌وزیر سوئد رفت و متوجه شد دو کارگر نظافتچی در خانه نخست‌وزیر مشغول به کار هستند که یکی از آنها به‌صورت غیرقانونی در سوئد اقامت دارد.



**راشا تودی:** یک شهروند نیویورکی بابت اینکه گفته بود اگر دونالد ترامپ پس از شکست در انتخابات ۲۰۲۰ از تحویل قدرت خودداری کند، نقشه ربودن و قتل رئیس‌جمهور وقت را طراحی می‌کند، دستگیر شد. «توماس ولینکی» روز دوشنبه پس از آن دستگیر شد که ادعا کرده بود نقشه قتل دونالد ترامپ و ۱۲ عضو طرفدار او در کنگر را کشیده بود.



**بی‌بی‌سی:** میکائلا جی رودریگز، بازیگر تراجنسیتی، شب گذشته به‌عنوان نخستین فرد تراجنسیتی برنده جایزه بهترین بازیگر زن گلدن گلوب شد. این بازیگر ۳۱ساله به‌خاطر بازی در مجموعه تلویزیونی ژست، برنده جایزه بهترین بازیگر زن شد. او در اینستاگرامش نوشت: «خدای من ... وای... متشکرم، مطمئنم این جایزه باعث بازشدن درها به روی بسیاری از استعدادهای دیگر خواهد شد.»

### اتفاق



**یورنئوز:** «داوید ساسولی»، رئیس پارلمان اتحادیه اروپا، در ۶۵سالگی و به‌دلیل یک عارضه جدی در سیستم ایمنی خود درگذشت. این روزنامه‌نگار سابق و سیاستمدار چپ میانه ایتالیایی از ماه قبل در بیمارستان بستری و از حدود دو هفته قبل حالش وخیم‌تر شده بود. روزپتر کونیولو، سخنگوی و اعلام کرد آقای ساسولی در ساعات اولیه روز سه‌شنبه درگذشت.



**روایتی:** برندگان جوایز گلدن گلوب دیشب اعلام شدند. در میان برندگان یک نام متفاوت هم دیده می‌شود. او یونگ سو به‌عنوان نخستین فرد کراه‌به‌خاطر بازی در سریال بازی مرکب برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای مجموعه‌های درام شد. این سریال از زمان پخش خود در ماه سپتامبر، به محبوب‌ترین اثر نتفلیکس در ۹۴ کشور تبدیل شده است.



**سان:** جو دیویس مردی که سال گذشته مشغول کار تعمیرات و محوطه‌بندی در آبگیرهای حفاظتگاه طبیعی راتلند در لستر انگلستان بود، اسکلت کامل یک دایناسور را پیدا کرد. فسیل این آیزی غول‌پیکر منقرض‌شده که به اژدهای دریایی هم مشهور است، بزرگ‌ترین فسیل از نوع خود است که در بریتانیا پیدا می‌شود. حالا این اسکلت به‌صورت کامل قابل‌گیری شده است.